

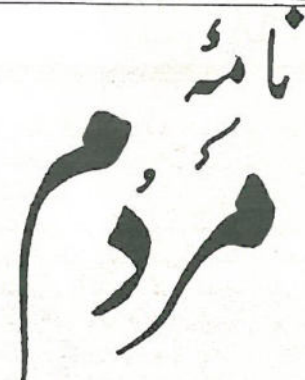
کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، جمهوری اسلامی را برای چندمین سال متوالی بدت محکوم کرد

□ "تا پایان سال ۱۹۹۲، ۳۰۱ اعدام رسمی در ایران گزارش شده است که ۱۶۴ قهره از اعدامها مربوط به مسایل سیاسی بوده است. در میان اعدام شدگان اعضای سازمان های مجاهدین خلق ایران، کومله، فدائیان و حزب دمکرات کردستان ایران به چشم می خورند."

آزادی ها، دستگیری ها، شکنجه ها، اعدام ها، زیربا، گذاردن حقوق اقلیت های مذهبی، زنان و سایر شهروندان کشور ما بدست می دهد. در گزارش از جمله می خوانیم:
"تا پایان سال ۱۹۹۲، ۳۰۱ اعدام رسمی در ایران گزارش شده است که ۱۶۴ قهره از اعدام ها مربوط به مسایل سیاسی بوده است. در میان اعدام شدگان اعضای سازمان های مجاهدین خلق ایران، کومله، فدائیان و حزب دمکرات کردستان ایران به چشم می خورند."

رژیم جمهوری اسلامی باردیگر به دلیل سرکوب وحشیانه حقوق بشر در اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد محکوم گردید. در این اجلاس که روز دهم مارس در ژنو برگزار شد، قطعنامه محکومیت جمهوری اسلامی به تصویب رسید.

این قطعنامه بدنبال انتشار آخرین گزارش نماینده ویژه سازمان ملل، آقای گالیندوئل، در تاریخ ۸ بهمن ماه، به تصویب کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل رسید. آخرین گزارش فرستاده ویژه، تصویر دردناکی از سرکوب وسیع



ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۹۸، دوره هشتم
سال هشتم، ۱۰ فروردین ۱۳۷۲

سخنی با مسلمانان دگراندیش

رویدادهای مهم و سرنوشت سازی در کشور ما در حال شکل گیری است. دوران سکون و خمودی جنبش مردمی کم کم به پایان می رسد و نخستین نشانه های جدی تحولات قطعی پیرامون آینده نظام کنونی در جامعه ما بروز می کند.

گروه های حاکم هر روز مواضع تازه تری را از دست می دهند و روند انزوای ارتجاع حتی در میان بخش وسیعی از نیروهایی که تا دیروز از آنان حمایت می کردند، شتاب چشمگیری می یابد. رژیم خشمگین چنگ و دندان نشان می دهد و فشار و سرکوب بار دیگر تشدید شده است.

یورش وسیع، غیر مترقبه و وحشیانه ارگان های سرکوبگر جمهوری اسلامی به دفتر آیت الله منتظری، که جزئیات آن در شماره ۳۹۷ روزنامه "نامه مردم" انتشار یافت، نقطه عطفی است در گسترش تنش ها و برخورد های درون و پیرامون حاکمیت. یورش به خانه یکی از مهمترین رهبران مذهبی دوران انقلاب، کسی که سالیان دراز عمر خود را در زندان های شاه به سر برده است و در گذشته نه چندان دوری، سران رژیم، از خامنه ای گرفته تا رفسنجانی به دست بوسش می رفتند و مقام علمی و مذهبی او را به عرش اعلی می رساندند، نشان می دهد که رهبران کنونی در تلاش برای باقی ماندن در حکومت، حاضرند هر کس، حتی نزدیک ترین یاران دیروزی خود را قربانی کنند و در مجموع از هیچ جنبه ای رویگردان نیستند. حزب ما بارها به این موضوع مهم ادامه در ص ۲

حکومت اضطراری در روسیه یا "کودتای" یلتسین با حمایت غرب

از سوی کنگره اعلام کرد. وی در این سخنرانی از جمله گفت: "امکان توافق با اکثریت محافظه کار نمایندگان پارلمان مطلقا وجود ندارد". وی سپس اعلام کرد: "من می خواهم صریح و رک باشم. من تصمیم دارم که قاطعانه عمل کنم. من فکر می کنم که هیچ راه دیگری در شرایط موجود، مطرح نیست. قدم های بعدی "یلتسین" در بدست گیری کنترل تمامی رسانه های گروهی، شامل روزنامه ها، رادیو و تلویزیون، و تهدید او درباره به رسمیت نشناختن رای دادگاه قانون اساسی عملاراه را برای برقراری یک نظام خودکامه و استبدادی گشود. "والری زورکین"، رئیس دادگاه قانون اساسی در این

بحران همه جانبه سیاسی و اقتصادی و برخورد های در درون حاکمه روسیه که در ماه های اخیر تشدید شده بود، با صدور بیانیه ویژه ای از سوی "بوریس یلتسین"، رئیس جمهور این کشور، ابعاد نگران کننده ای بخود گرفت. شرایط کنونی برای بسیاری یادآور حوادث سال های پس از پیروزی انقلاب اکتبر، در سال ۱۹۱۷ است، که احتمال وقوع جنگ داخلی، چند پاره شدن نیروهای نظامی و همچنین مداخله کشورهای خارجی بسیار واقعی است.

در سخنرانی ای که "یلتسین" در آخرین روز اسفند ماه خطاب به مردم روسیه کرد، موضوع اختلافات را "محدود کردن اختیارات" رئیس جمهور

ادامه در ص ۸

در صفحات دیگر

کنفرانس بررسی فقر
در آمریکای لاتین
ص ۸
بودجه "شفاف"
سال ۱۳۷۲
ص ۷

اطلاعیه

دبیرخانه کمیته مرکزی
حزب توده ایران

ص ۲

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

سخنی با مسلمانان ...

اشاره کرده است که یورش ارتجاع به نیروهای مترقی ، از جمله حزب توده ایران، تنها گام نخست در سرکوب دگراندیشی و آزاد اندیشی است و ارتجاع دیر یا زود سراغ مسلمانان دگراندیش و متحدان دیروزی خود که نمه مخالف بنوازند ، نیز خواهد آمد. سیر رویدادها درستی این پیش بینی ما از روند تثبیت ارتجاع و استبداد را به اثبات رساند. در سال گذشته ، نمونه های جدی بیشتری از چنین برخوردهایی از سوی سردمداران رژیم بروز کرد. حذف بخش مهمی از چهره های سرشناس "خط امام" و "پاران نزدیک امام" در انتخابات چهارمین مجلس شورای اسلامی ، پاکسازی افراد کلیدی در وزارت خانه ها و ادارات دولتی ، که در بستر از خط "ولایت قیه" تمییز نمی کردند، از جمله پاکسازی های وسیع در وزارت ارشاد اسلامی ، سرکوب وحشیانه قیام های مردمی و کسانی که تا دیروز "ارکان های انقلاب" را تشکیل می دادند ، زیر عنوان "اراذل و اوباش" ، یورش وسیع به روزنامه ها و مجلات غیر حکومتی، تحت عنوان "مبارزه با تهاجم فرهنگی" ، دستگیری عده ای از چهره های سرشناس "دانشجویان خط امام" و نمایندگان سابق مجلس شورای اسلامی ، و بالاخره یورش به دفتر آیت الله منتظری، همگی نشانگر این واقعیت است که برای استبداد هرگونه تفکر، اندیشه و نظر مخالفی، چه مذهبی و چه غیر مذهبی غیر، قابل قبول و خطرناک است. ارتجاع حاکم مخالف هرگونه آزاد اندیشی و دگر اندیشی است و از این رو است که به گفته احمد منتظری ، فرزند آیت الله منتظری در گفتگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی، بخشی از زندانیان سیاسی کنونی رژیم جمهوری اسلامی را مسلمانان دگر اندیش و کسانی که در انقلاب فعالانه شرکت و فداکاری کرده بودند، تشکیل می دهند.

یورش به دفتر آیت الله منتظری، آزمایشی از سوی رژیم قبل از تدارک سرکوب وسیع مخالفان مذهبی است. هدف از چنین آزمونی سنجش برخورد و اعتراضات مردمی و وسعت چنین اعتراضاتی است. بدیهی است که اگر سروصدایی در مخالفت با دور جدید یورش و سرکوب نیروهای دگراندیش بلند نشود ، رژیم خود را برای تدارک یورش های وسیع بعدی آماده خواهد کرد. در این زمینه تهدید روزنامه کیهان ، به مثابه چماق مطبوعاتی ارتجاع حاکم، علیه مخالفان و دگر اندیشان مذهبی رژیم در هفته های اخیر جالب و آموزنده است. کیهان "ضمن حمله شدید به

روزنامه "سلام" پیرامون درج خبر یورش به دفتر آیت الله منتظری و اعتراض این روزنامه به یورش رژیم می نویسد :

" این روزنامه طی یادداشتی با ذکر این نکته که برخی از موارد اتهامات مندرج در گزارش گالیندوئل قابل تاییدند ، یک مورد را خاطر نشان می سازد که از این قرار است: " بر طبق کدام اصل قانونی و ارزش اسلامی و انسانی و با اجازه کدام مقام صلاحیتداری چند صد نفر در هجوم به منزل یک فرد شناخته شده و روحانی (آقای منتظری) بسیج می شوند ؟ اعتبارهای دیگر ایشان بجای خود ، کدام قانون و کدام شرع اجازه می دهد که در دل یک حکومت عده ای این چنین با خیال راحت و با تامین کافی به منزل یک شهروند ایرانی تهاجم کنند. " متاسفانه روزنامه سلام اینک با درج اخبار و یادداشتهایی از این قبیل، در مسیری گام بر می دارد که قبلاً افرادی چون میثمی با اهداف و انگیزه های خاص خود آن را پیموده اند و این بدون شک در شان یک روحانی مانند حجت الاسلام خوئینی ها ... نیست ... " (کیهان هوایی " ۲۶ اسفند ۱۳۷۱).

به گمان ما دوران بی تمیمی و "بازی" های سیاسی میان جناح ها برای بخش مهمی از نیروهای مذهبی که با رژیم حاکم کنونی مخالف هستند، به سر آمده است. روند چند سال اخیر از سرکوب نهضت آزادی ، تا سرکوب آیت الله منتظری نشان می دهد که برای مسلمانان دگراندیش راه سومی وجود ندارد، یا می بایست به ارتجاع و استبداد گردن نهند و یا در مقابل آن بایستند.

اساس و چارچوب نظام استبدادی کنونی را اصل غیر دمکراتیک "ولایت قیه" تشکیل می دهد. در این زمینه نمی توان راه ماشاات و طفره رفتن از برخورد با واقعیات را پیشه کرد. چماق "ولایت قیه" برای حذف گروه بزرگی از مخالفان رژیم، در جریان انتخابات مجلس چهارم ، به کار گرفته شد و آنگاه که باز ضرورت ایجاد کرد ، "ولایت قیه" برای یورش و سرکوب نشریات و روشنفکران کشور ، زیر عنوان "مبارزه با تهاجم فرهنگی" ، مورد استفاده واقع گردید. نباید کوچکترین شکی داشت که در آینده نزدیک نیز دیگر بار این حربه برای حذف و نابودی مخالفان، چه مذهبی و چه غیر مذهبی، به کار گرفته خواهد شد. نیروهای مسلمانی که به آزادی و حاکمیت مردم اعتقاد دارند و با استبداد و سرکوب مخالفند ، بدیهی است که نمی بایست چنین چارچوبی را بپذیرند. پذیرش اصل "ولایت قیه" چیزی جز پذیرش استبداد فردی زیر لوای فرامین مذهبی نیست.

مبارزه ناپیکیر و ماشاات گرانه بخش بزرگی از

نیروهای مذهبی دگر اندیش با ارتجاع حاکم در انتها تنها به سود تحکیم استبداد و به سرکوب خود این نیروها منجر خواهد شد.

حاکمیت کنونی در مجموع در موقعیت ضعیفی قرار دارد. باید از این فرصت بهره جست و صف مبارزه و مقابله با آن را تقویت کرد. انزوای جهانی رژیم، علی رغم تلاش های فراوان رفسنجانی برای نزدیکی به آمریکا و کشورهای اروپای غربی، در کنار بحران تعمیق یابنده اقتصادی - اجتماعی و روند رو به رشد اعتراضات مردمی، در مجموع شرایط مناسبی را برای سازماندهی و بسط مبارزه مشترک علیه استبداد فراهم کرده است. باید بر پیش داوری های نظری، سیاسی و تاریخی که میان نیروهای مختلف سیاسی ایران در طی سال های دشوار گذشته ایجاد شده است، غلبه کرد و راه را برای یک ائتلاف وسیع، علیه استبداد فردی، زیر لوای "ولایت قیه" باز کرد. هرچه سریع تر این خواست و آرزو، که خواست وسیع مردم کشور ما نیز می باشد، به واقعیت عملی تبدیل گردد، کشور ما سریع تر از روند فاجعه بار کنونی خلاص خواهد شد.

حزب توده ایران در راه طرد رژیم "ولایت قیه"، برای استقرار آزادی، صلح و عدالت در جامعه مبارزه می کند. ویر پایه چنین باوری، ما دست دوستی و همکاری خود را به سوی همه نیروها، شخصیت ها و سازمان هایی که در راه این آرمان مقدس، فرای اختلافات عقیدتی، نبرد می کنند دراز می کنیم. اصل اساسی برای ما، پذیرش پلورالیسم سیاسی - نظری و حقوق و آزادی های دمکراتیک در چنین چارچوبی است. مسلمانان دگر اندیش هم اکنون نیروی مهمی در کشور ما به شمار می آیند. این نیرو در صورتیکه صف خود را از استبداد و ارتجاع جدا نکند، یا در آن تحلیل خواهد رفت و یا توسط آن نابود خواهد شد. نباید تجربه های سخت و دردناک گذشته را فراموش کرد، نباید آزموده سایر سازمان ها و احزابی که در انقلاب شرکت کردند و با تمام توان از جنبش مردمی حمایت کردند ، و سرانجام وحشیانه سرکوب شدند را دوباره آزمایش کرد. تهدید امروز "کیهان" ، و سخنگویان ارتجاع، که از تربیون نماز جمعه یورش به منزل مخالفان را سازماندهی می کنند، بی شک زمینه ساز یورش و سرکوب خوئینی فردا است. باید از گذشته درس گرفت و آن را سرلوحه مبارزه سرنوشت ساز امروز به قرار داد.

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

کارگری و مترقی در سراسر جهان و سازمان های مترقی موجود در کشور مان اتخاذ کرد. * - هیئت اجراییه قرار برگزاری نشست نمایندگان سازمان های حزبی در خارج از کشور، در آینده نزدیک، را به تصویب رساند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
فروردین ماه ۱۳۷۲

* - هیئت اجراییه با توجه به فرا رسیدن ۱۷۵-مین سالروز تولد کارل مارکس، آموزگار بزرگ زحمتکشان جهان در اردیبهشت ماه سال جاری، تصمیم گرفت تا سمینارهایی پیرامون اهمیت آموزش مارکس در دوران ما با شرکت کلیه سازمان ها و کادر های حزبی سازماندهی کند. * - هیئت اجراییه تصمیماتی پیرامون گسترش تماس ها با احزاب و سازمان های

نشست نوبتی هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران در اسفندماه سال گذشته برگزار شد. در این نشست، پس از بررسی و تحلیل اوضاع بحرانی کشور و روند تحولات میان نیروهای مخالف رژیم ، تصمیمات مهمی در راستای تشدید فعالیت تبلیغاتی حزب در برخورد با رژیم جمهوری اسلامی از یک سو و برخورد فعال تر با نیروهای اپوزیسیون از سوی دیگر اتخاذ شد.

با آن در تقابل بوده است. در جمهوری اسلامی، انسان ها آزاد هستند، اندیشه آزاد است، بیان آزاد است، قلم آزاد است. قلم فقط زمانیکه تراوش دهنده، گوینده و مبلغ فکری حاکمان باشد و این تنگ نظری تا آنجا پیش برده می شود که در خارج از مرزها نیز برای خود مجوز صادر می کند و غیر ایرانی را نیز در بر می گیرد. تعریف دیگر این نوع آزادی انحصاری را "آیه اله امامی کاشانی" در خطبه های نماز جمعه (۳۰ بهمن ماه) در رابطه با سلمان رشدی این طور بیان می کند: "چگونه غربی ها یک روسیاء (رشدی) را می گویند آزاد باشد ولی حضرت امام برای بیان حکم خدا محدود و اسم این را آزادی می گذارند" ("رسالت" ۱۱

ملاحظه می کنید؟ در قاموس رسالت نویسنده ها که بیانگر نقطه نظرات حاکمان جمهوری اسلامی هستند آزادی، بیان و اندیشه، ارائه نظر شخصی و اعتقادات فردی نیست و نمی تواند باشد. آزادی، بیان اندیشه ای است که حاکمیت بدان معتقد است و الا همان برخوردی خواهد شد که با نشریه "گردون" شد و امروز نشریه "آدینه" از آن بیستگ گردیده است. "آدینه" در شماره ۷۶، دی ماه ۷۱ خود می نویسد: "... با تحمل فشار و جنگ عصبی و روانی و ترگیری ها و زمینه سازی ها ... پس از انتشار هر شماره، هستند کسانی که چاپ این و یا آن پاسخ و نقد و مقاله را با سلیقه و نظرات و مواضع خود منطبق و هماهنگ نمی

یکی از ویژگی های جمهوری اسلامی که از خصایص تمام رژیم های خودکامه می باشد، تمییز و تفسیر مقولات اجتماعی با سلیقه فکری و انگیزه های حاکمان است و دیگران برای اظهار نظرات خود آزاد نیستند. و اگر فرصتی نیز برای این کار به دیگران دست بدهد، ارباب و تهدید و شکنجه حاکمان، دستگاه خود را به کار می گیرد.

در جامعه ای که دموکراسی بر فضای آن سایه افکنده است، اینگونه تمییز و تفسیرها در محیطی سالم و بدور از تشنج، بنام برخورد اندیشه به بحث گذاشته می شود، بررسی می شود و به مردم این امکان را می دهد که بهترین و درست ترین آن را انتخاب کنند. در جوامع یادشده، سازمان های سیاسی و نشریات گوناگون، بیانگر این نوع برخورد اندیشه می باشند. اما در جمهوری اسلامی، که از چنین فضایی تهی می باشد، به نوع دیگری عمل می شود. هیچ حزب سیاسی مخالف رژیم امکان فعالیت علنی ندارد و تنها چند نشریه علمی، ادبی و سیاسی با بکارگیری خودسانسوری، برخی از مقولات اجتماعی را تعریف نموده و به بحث می گذارند ولی نشریات گوناگون وابسته به حاکمیت، حوصله اینگونه بحث های آکادمیک را که دستاورد انسان های متقدم می باشد، ندارند و در برخی موارد دفتر اینگونه نشریات حکومتی به محاکم دادگستری و مامورین اجرای آن تبدیل می گردد. روزنامه "کیهان" نمونه این نوع برخوردها بوده است ولی بدعت یاد شده در انحصار این روزنامه نمانده و هراز گاهی نشریات دیگر وابسته به بخشی از حاکمیت نیز چنین شیوه ای را پی می گیرند. در قاموس این نشریات که حمایت نهادهای نظامی، سیاسی، قضایی و اقتصادی را در اختیار دارند بر خورد با اندیشه دیگر، از مجرای قلدری و زور و تهدید پیش می رود و برای به کرسی نشاندن نمایلشان، آزادی را طبقه بندی می کنند و آن را انحصاری می سازند. از نظر آنان، نشریات مستقل دیگر تا زمانی آزاد هستند که به حرم آنان تجاوز نکنند و مبلغ نظرات انحصاری آنان باشند. برای اثبات ادعای خود مثال زنده ای می آوریم:

اخیرا شهرداری تهران، که شهردار آن هم مسلمان است و هم خدمتگزار دولت اسلامی! با انتشار نشریه ای بنام "همشهری" به جمع دست اندرکاران مطبوعات در جمهوری اسلامی پیوسته است و موضوعی بنام "جامعه دینی" را بنظر خوانندگان گذاشته است. نظرات گوناگونی ارائه گردیده است و فردی بنام دکتر "منوچهر آشتیانی" نیز نظر خود را بیان کرده است که به مذاق برخی از حاکمان آزاد اندیش جمهوری اسلامی سازگار نیفتاده است. تصور می کنید که با منطقی آراسته و دلایلی محکم و استوار و با شیوه ای علمی به پاسخگویی پرداخته شده است؟ صد البته که نه! می توان گوشه هایی از پاسخ سرمقاله روزنامه "رسالت" (۵ اسفند ۷۱) تحت عنوان "تمدن یا توحش" را برای قضاوت خوانندگان عرضه داشت و داوری را بعهده خود آنان گذاشت: "... این ها گوشه ای از تشمشمات فکری این جناب دکتر است، اگر خوشبین باشیم باید بگوییم که نه دین را شناخته و نه تمدن را! والا تکلیف ما با چنین نظریاتی و چنین روزنامه ای چیز دیگری خواهد بود". و پس از آن طبق روال مطبوعاتی حاکم در نشریات دولتی جمهوری اسلامی با عباراتی چون "این جناب استاد! دیدگاه های منطبق جناب منوچهر! این جناب دکتر! ذهن علیل نویسنده! این آقا..." قابلیت منطبق خود را در پاسخگویی به تنها یک نظری که از سوی یک شهروند ارائه شده است را به نمایش می گذارد و به روزنامه "همشهری" اخطار می کند "اگر می خواهد این کار را آزادی اندیشه و بیان بنامد زمی خیال باطل!".

بیان اندیشه در جمهوری اسلامی

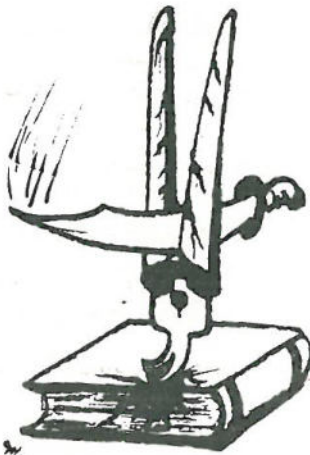
اسفند ماه). اما امامی کاشانی عکس آن را نمی گوید که اگر خمینی آزاد است برای بیان اندیشه، چرا سلمان رشدی آزاد نباشد؟ مگر چیزی جز اندیشه اش را بیان کرده است؟ از سوی دیگر خمینی اگر، کتاب سلمان رشدی را می خواند، به پاسخگویی علمی آن می پرداخت، با دلایل منطقی نوشته های رشدی را رد می کرد و ادعای خود از سلمان رشدی را به دادگاه ذیصلاحی در سطح جهانی می کشاند و تمییز انحصاری خود از آزادی را تعمیم نمی داد... بدون تردید هم آزادی خمینی رعایت شده بود و هم آزادی رشدی اما بدون تشکیل دادگاه، بدون شنیدن دفاعیات متهم، بدون بررسی نظرات قضات و بدون توجه به حقوق بین المللی... زمانیکه کسی به تنهایی قضا می کند، بی داستان و به تنهایی تصمیم بگیرد و حکم کند. این دیگر آزادی نیست، تجاوز به آزادی است. شیوه غیر قابل قبولی است که هیچ انسان متصن حاضر به پذیرفتن آن نمی باشد. رشدی هم اگر بر سر سرخمنه ای جایزه تعیین می کرد، آزادی را نقض نموده بود.

در جمهوری اسلامی این شیوه را خمینی بنا گذاشت، دپروز روزنامه "کیهان" بدان متصل شد و امروز "رسالت" شاخ و شانه می کشد. اگر خمینی آزاد است در اظهار نظر کردن (نه حکم کردن که محاکم حقوقی و تشکیلات دادگستری برای این منظور تدارک دیده شده اند) هر شهروند و هر نیروی سیاسی دیگری نیز می بایست از چنین آزادی ای برخوردار باشد. اما سردمداران جمهوری اسلامی با دره عمیقی که بین خود و مردم ایجاد کرده اند به چنین حقوقی معتقد نمی باشند. خود را تافته جدا بافته ای از همگان می دانند که لقط برای حکومت کردن آفریده شده اند. به این گفته رئیس مجلس شورای اسلامی توجه کنید:

"حساب ما با حساب عموم مردم جدا است" (رسالت ۵ اسفند) و روشن نمی سازد که اگر نمایندگان مجلس نشین، منتخبین مردم می باشند، این جدایی حساب ها چه منتهایی دارد؟

واقعیت همین است، در جمهوری اسلامی همه چیز در انحصار حاکمان است و آزادی هم یکی از انحصارات یاد شده است که به دروغ و با بوق و کرنا عمومی بودن آن را جار می زنند! اما کیست که نداند آزادی اندیشه و بیان با چنین تنگ نظری های خودکامه کوچک ترین قربانی ندارد و حاکمان جمهوری اسلامی بیهوده می کوشند این وصله را به قیای خود پیوند بزنند. رسوایی رژیم در زمینه آزادی های فردی و اجتماعی بر احدی پوشیده نیست. مردم وطن ما نفرت و انزجار خود را نسبت به این دروغ بزرگ که اهنی سنگین و خیانتی سنگین بر حق حاکمیت خود می دانند، پنهان نمی کنند.

سرفروش آزادی قلم ۱۰۵۰



یابند و بی اعتنا به آنکه یک مجله عمومی عرصه ارائه نظرات گوناگون اندیشه های خلاق است، بی توجه به روال "آدینه" که همواره انتقادات و پاسخ ها را بی طرفانه چاپ می کند، به جای اتقاد اصولی و منطقی، شیوه های خاصی پیشه می کنند که عرصه را بر تحریریه و برخی از آرا تنگ می کنند. این برخوردها حاصل آن است که گروهی هنوز آزادی نظر مخالف را بر نمی تابند و تحمل نقد و انتقاد و بررسی آرا خود را ندارند. و جانب است توجه داشته باشیم "رسالت" که خط و نشان برای اندیشه آزاد می کشد فراموش کرده است که در شماره ۲۰ بهمن ماه ۷۱ خود تحت عنوان "آزادی مطبوعات" دروغ بزرگی را به نیمه صفحه ای از روزنامه خود اختصاص داده و ادعا کرده بود که "یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی آزادی قلم و بیان" است بطوری که اگر امروز ادعای کینه زاده ترین کشور در زمینه مطبوعات و آزادی های رسانه ای هستیم از حقیقتی مطابق با واقع سخن رانیم.

ملاحظه می کنید؟ همین نشریه که چنین ادعای دروغی را مطرح کرده است دو هفته بعد برای یک بیان آزاد، خط و نشان می کشد! در جمهوری اسلامی همیشه ادعای سردمداران چیز دیگری بوده و عمل آنان چیز دیگر. همین چند هفته پیش "محمد یزدی"، رئیس قوه قضائیه رژیم اعلام کرده بود که هیچکدام از اعدام ها، سیاسی نبوده است اما هفته پیش "گالیندوئل" در آخرین گزارش خود نیمه از اعدام های سال گذشته در جمهوری اسلامی را سیاسی اعلام نمود و خاطر نشان ساخت که اعدام شدگان، شکنجه نیز شده بودند.

برخورد به مقوله آزادی در جمهوری اسلامی کوچکترین قربانی با ماهیت این رژیم ندارد و همیشه

مصاحبه ای که منتشر نشد

"... اینها مردم نبودند مردم که نمی آیند از این کارها بکنند. چطور این جمعیت چند ده هزار نفری ۴۰ هزار نفری یا صد هزار نفری که در مشهد راه افتادند و آن کارها را کردند از اینها تمبیر می شود به اوپاش ولی وقتی چهار صد پانصد نفر راه می افتند اینها می گویند مردم. نمی شود چهارصد پانصد نفر مردم باشند ولی جمعیت صد هزار نفری بشوند اوپاش..."

بدنیال پوروش ارگان های انتظامی رژیم به دکتر آیت الله منتظری، مصاحبه ای از سوی احمد منتظری درباره این پوروش صورت گرفت. این مصاحبه که توسط خبرگزاری جمهوری اسلامی انجام گرفته بود تنها در روزنامه "سلام" انتشار یافت و بقیه روزنامه های مجاز جمهوری اسلامی از انتشار آن خودداری کردند. از آنجاییکه این مصاحبه به روشنی پرده از خودکامی و استبداد حاکم در کشور ما بر می دارد، ما در زیر بخش هایی از آن را برای اطلاع خوانندگان "نامه مردم" عیناً نقل می کنیم.

۱۱ خبرنگار: پس روی این موضوع کار کنیم که دید ایشان نسبت به مسایل چی هست آیا ایشان روی چه جنبه ای از مسایل انتقاد یا نظر خاصی دارند.

جواب: یک مقدارش درباره زندانیان سیاسی است که بیایید به مردم راست بگویید. چرا ما می گوئیم زندانی سیاسی نداریم که ایشان اشاره کردند به بچه هاییکه قبل از انقلاب و در انقلاب سهیم بودند و زحمت کشیدند و حالا زندان هستند که نمونه اش آقای داود کریمی که قبل از انقلاب زندان بود و شکنجه دیده بود و بعد از انقلاب فرمانده سپاه تهران و فرمانده سپاه منطقه ۱۰ بود. آقای محسنی فرمانده لشکر بود این ها به طرفداری از آقای منتظری الان در زندان هستند. خوب با این حال ما بگوئیم زندانی سیاسی نداریم ایشان انتقادشان این است که چرا به مردم راست نمی گوئید مردم اینقدر می فهمند که این ها سیاسی اند... کلاً یک حالتی توی مملکت است که جنابعالی هم می دانید مثل اینکه اسم بردن از آیت الله منتظری، طرفداری، صحبت کردن، تقلید از ایشان قاچاقی باشد. یک چنین جوی درست شده. حالا کی درست کرده نمی دانم ولی یک چنین جوی موجود است که ملموس است این آقایان مخالف یک چنین چیزی هستند می گویند چرا این جو درست شده. این جو کاذب است ما نباید تسلیم یک چنین جوی بشویم. عقیده آزاد است و عقیده داریم که ایشان از طرفداران انقلاب و نظام هستند و مرجع تقلید مان است می خواهیم از ایشان تقلید کنیم آزادانه باید بتوانیم از ایشان تبلیغ و تقلید بکنیم.

خبرنگار: آیا می توانیم فرض را بر این بگذاریم که جنابعالی دارید از طرف آقا صحبت می کنید.

جواب: نه البته اینجور نیست که من نظرات ایشان را به رسم بیایم عرض کنم ولی کلاً یک چیزهای واضیحی است که اینجا اتفاق افتاد. الان ببینید این جوی که در کل دنیا درست شده تقصیر این بچه بازی ها ست که در آوردند. من خدمت آیت الله مومن بودم ایشان می گفت یکی از مسؤلین شهر آمد پیش من که بله مردم رقتند آنجا حمله کردند. ایشان می گفت به او گفتم ببین هم تو می دانی هم من، اینها مردم نبودند، مردم که نمی آیند از این کارها بکنند. چطور این جمعیت چند ده هزار نفری ۴۰ هزار نفری یا صد هزار نفری که در مشهد راه افتادند و آن کارها را کردند از اینها تمبیر می شود به اوپاش ولی وقتی چهار صد پانصد نفر راه می افتند اینها می گویند مردم. نمی شود چهارصد پانصد نفر مردم باشند ولی جمعیت صد هزار نفری بشوند اوپاش....

خبرنگار: گفته ای از قول ایشان نقل کرده اند من این را شنیده ام یعنی ایشان آقایان را غاصب حکومت خوانده اند و خودشان را دایه حکومت این چیزی است که خبرگزاری ها رویش زیاد کار کرده اند.

جواب: ایشان در تایید اینکه من دلم برای انقلاب می سوزد این را گفته اند که من مثل مادر انقلاب هستم چون بیشتر از همه زحمت کشیده ام. اتفاقاً من یادم هست حدود یک سال پیش ایشان به چند نفر از مدرسین حوزه علمیه قم گفتند که ما می خواهیم اینجا طلبگی مان را بکنیم آقایان هم حکومتشان را بکنند ما کاری به آنها نداریم....

خبرنگار: ... آیا ایشان نظر خاصی روی تحولات فرهنگی جامعه دارند؟

جواب: ... ایشان نسبت به آزادی مطبوعات شدیداً معتقدند همه آزاد باشند... و کلاً معتقد به آزادی عقیده و آزادی مطبوعات و آزادی نشر کتاب هستند.

خبرنگار: درباره فعالیت های دیپلماسی کشور آقا نظر خاصی دارند...؟

جواب: خدمت ایشان صحبت خاصی نشده است... ایشان گفته بودند بله انقلاب که پیروز شد رسم اینست که هیئت های حسن نیت می فرستند کشورهای مخصوصاً همسایه که بله انقلاب پیروز شده و ما با شما هیچ دشمنی نداریم و می خواهیم با هم زندگی کنیم و میهمان جدید شما هستیم... که ایشان می گفتند من هرچه اصرار کردم حضرت امام قبول نکردند حالا به چه علت من نمی دانم....



وزیر راه و ترابری در سمت خود ابقا شد

در جلسه روز ۱۴ اسفندماه مجلس شورای اسلامی وزیر راه و ترابری رژیم جمهوری اسلامی محمد سعیدی کیا، مورد استیضاح قرار گرفت. این استیضاح که بدنیال سانحه هوایی چندی پیش در نزدیکی تهران صورت گرفت، روی بی کفایتی و عدم مدیریت صحیح این وزارتخانه، پیرامون مسایل ایمنی فرودگاه و وسایل حمل و نقل عمومی دور می زد. برای برکناری سعیدی کیا تنها یک رای کم آورده شد. ۱۲۱ نفر از ۲۴۲ نماینده حاضر در جلسه به وی رای عدم اعتماد دادند.

قابل توجه شورای محترم نگهبان!

- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی. (بند ۳ از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی).

- باید طرحی اندیشیده شود تا به طور قانونی قسمتی از هزینه تحصیلی دانش آموزان را والدین آنها بپردازند، این امر نیز با قانون اساسی مغایرتی ندارد! (مجنی، وزیر آموزش و پرورش)

حاکمیت راضی است!

"من به عنوان فردی آشنا به انقلاب و منطقه در حد اعلا از عملکرد انقلاب اسلامی در طول ۱۴ سال گذشته راضی هستم". (هاشمی رفسنجانی - "کیهان" - ۱۷ بهمن ۷۱)

میان

روز سه شنبه ۱۶ مارس ۱۹۹۳، هزاران نفر از کارگران و کارمندان یمنی در عدن دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در پی دعوتی بود که سندیکاها و اتحادیه های کارگری و صنفی کشور، در اعتراض به سیاست دولت بخاطر امتناع از پرداخت حقوق کارمندان و کارگران بخش دولتی به مدت سه ماه و همچنین عدم اتخاذ سیاست های عملی جهت پایان دادن به افزایش بی رویه قیمت مواد خوراکی و پوشاک، از کارگران و کارمندان کشور کرده بودند.

شاید توجه ست که اتحادیه های کارگری و صنفی ۱۰۰ بخش خدمتی را که در ارتباط مستقیم با نیز عمومی شهروندان شهر عدن بود، از گستره عصب مستثنی نمودند. این خدمات شمس بیصرتان ه و مرکز دیگر بهداشتی و بهزیستی، بخش ارتباطات و حمل و نقل (مانند راه آهن، وسایل نقلیه عمومی زمینی و هوایی)، بانک های محلی و مرکزی و شعبات آن ها، بنادر، پلایشگاه های نفت، رسانه های گروهی و دستگاه های حسیه ری دولتی می باشند.

در علاقه عصب کنندگان، از ۳۷ - مین سانگرد جنبش اتحادیه ی یمن نیز یاد شده است. فزون بر آن، در اعلامیه از دولت بخاطر مواردی چون فقدان فضای دموکراتیک در کشور و ضعف نقدینگی بانکی، که مردم عدن را به شدت ناراضی کرده است، انتقاد شده است.

خاورمیانه

بدنبال دیداری که روز دوشنبه ۱۵ مارس بین "بیل کلیتون"، رئیس جمهور آمریکا و "اسحاق رابین"، نخست وزیر اسرائیل در واشنگتن صورت گرفت، رئیس جمهور آمریکا حمایت خود از اسرائیل را مورد تاکید قرار داد و اعلام داشت که آمریکا تمامی مساعی خود را برای حفظ برتری نظامی اسرائیل در منطقه بکار خواهد برد.

وی در يك مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که آمریکا نهایت جدیت و کوشش خود را در استقرار يك صلح "واقعی" در منطقه بکار خواهد برد و از کسانی که در منطقه مبادرت به خرابکاری و تروریسم می کنند، چشم پوشی نخواهد کرد.

"کلیتون" سپس در رابطه با مذاکراتش با "اسحاق رابین" خاطر نشان ساخت که "ما به نخست وزیر اسرائیل اطمینان داریم که آمریکا با تروریسم مبارزه خواهد کرد و از بدل هیچ کوششی در راه تقویت نظامی اسرائیل دریغ نخواهد ورزید". وی همچنین اعلام کرد که با "اسحاق رابین" پیرامون روابط استراتژیک نظامی بین آمریکا و اسرائیل به توافق رسیده اند و تحقق گام عملی این توافق تشکیل "کمیته همکاری آمریکایی- اسرائیلی در بخش های علوم و تکنولوژی" است.

"اسحاق رابین" ضمن قدردانی از حمایت "بیل کلیتون" از اسرائیل اظهار داشت که،



اتلافی ۱۴ حزب UNO که طیف وسیعی از نیروها، از مارکسیست ها تا محافظه کاران راست را در بر می گیرد، قرار گرفته است. هواداران سابق رئیس جمهور به ارتباطات او با ساندینیست ها که در انتخابات سال ۱۹۹۰ از UNO شکست خورد، مترض هستند. اخیراً ۹ عضو پارلمان از UNO، با عوض کردن جبهه به ۳۹ عضو پارلمان از حزب ساندینیستی پیوستند. به این ترتیب نمایندگان جناح راست UNO در پارلمان، اکنون با تحریم پارلمان، در جلسات آن شرکت نمی کنند.

یونان

صدها هزار شهروند زحمتکش یونانی روز ۲۸ اسفند ماه سال قبل، در پاسخ به فراخوان کنفدراسیون عمومی کارگران یونان، بزرگترین گروه اتحادیه ای با پیش از يك میلیون عضو در بخش دولتی و خصوصی، به يك اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته علیه سیاست های ریاضت کشانه دولت دست راستی به نخست وزیری "کنستانتین میتسو تاکیس" پیوستند. از نکات محوری سیاست دولت اصرار بر تقلیل عدم موازنه بودجه از طریق فشار به سطح زندگی کارگران و اقشار کم درآمد بوده است. برنامه سه ساله دولت موسوم به "کنترل درآمدها" که در ژانویه ۱۹۹۱ اعمال گردید، عملاً میزان افزایش حقوق را پائین تر از نرخ تورم نگهداشته است ولی این برنامه به موازات نرخ بیکاری را به ۹/۲ درصد افزایش داده است که بالاترین نرخ بیکاری در تاریخ یونان بوده است و در مقایسه با سال ۱۹۹۰، تورم ۲ درصد افزایش یافته است.

هزاران کارگر یونانی در جریان سپردن کارخانجات و موسسات عمومی به بخش خصوصی کارهای خود را از دست داده اند. شبکه های تلویزیونی برنامه های نوبتی برای قطع احتمالی جریان برق در حوالی آتن که حدوداً ۴ میلیون نفر یونانی در آن زندگی می کنند و اکثر صنایع یونان در آن متمرکز هستند را پخش کردند.

در حالی که بهای خدمات اساسی نظیر برق، آب، بنزین و تلفن تا میزان ۳۰۰ درصد افزایش یافته است، دولت يك سقف ۴ درصد برای افزایش حقوق ها در بخش دولتی اعمال کرده است که عملاً به سقوط درآمد واقعی خواهد انجامید.

مرکز اتحادیه ای یونان طلب کرده است که حقوق ها به میزان ۱۷ درصد بالا برود، یعنی ۲/۵ درصد بالاتر از نرخ تورم سالانه در یونان که بالاترین نرخ تورم در سراسر کشورهای جامعه اروپا را داراست.

دولت "میتسو تاکیس" به منظور جلب حمایت سیاست هایش، قول داده بود که تا انتهای سال گذشته نرخ تورم به زیر ۱۰ درصد کاهش پیدا کند ولی در طول دو ماهه اخیر، میزان تورم نزدیک ۱۴/۵ درصد بوده است.

"اسرائیل يك دوست ارجمند و نزدیک در کاخ سفید دارد... ما در امر صلح در منطقه نهایت کوشش خود را خواهیم نمود و حتی حاضر به سازش هایی هم هستیم ولیکن این اقدام مشروط به سازش متقابل از سوی فلسطینی ها است."

بدنبال این دیدار نظرانی از سوی مقامات وزارت دفاع دو کشور آمریکا و اسرائیل پیرامون توافق نظامی این ابراز شده که اشاره به آنها بی اهمیت نمی باشد. طبق اظهارات مقامات یاد شده، آمریکا تعهد کرده است که سالیانه حدود سه میلیارد دلار (که ۱/۸ میلیارد دلار آن کمک های نظامی خواهد بود) به اسرائیل کمک مالی بکند.

همچنین دو کشور توافق کرده اند، ناوگان ششم آمریکا که در دریای مدیترانه نزدیک ناهل، از بنادر ایتالیا مستقر است به حیفا در اسرائیل منتقل شود. ملاقات "بیل کلیتون" و "رابین" عکس العمل های مختلفی را در جهان عرب و به ویژه جنبش فلسطین برانگیخت. در این رابطه دکتر "خان عشراوی"، سخنگوی هیئت نمایندگی فلسطین دیدار رهبران دو کشور اسرائیل و آمریکا را بخاطر "به فراموشی سپردن قضیه تبعید شدگان" و اتخاذ تصمیمات برای فشار آوردن به نمایندگان فلسطینی و کشاندن آن ها به میز مذاکره بدون قائل شدن هیچ امتیازی به نفع فلسطینی ها" شدیداً مورد انتقاد قرار داد. در دمشق نیز، دکتر "جرج حبیش"، دبیر کل "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" دیدار و توافق آمریکا و اسرائیل را منشا مشکلات و موانع نویی در راه پایان دادن به بحران خاورمیانه دانست. او از مردم فلسطین خواست که از ادامه مذاکره با اسرائیل، از کانال آمریکا، سرباز زنند و در عوض خواستار بررسی و حل مسئله فلسطین در سازمان ملل متحد گردند. وی خاطر نشان کرد که می توان با تقویت "قیام" (اتفاضه) علیه اشغالگران اسرائیلی و فشار به دولت این کشور، به پروسه صلح و بیرون راندن اشغالگران سرعت بخشید.

نیکاراگوئه

رئیس جمهور نیکاراگوئه، "وپولتا شامورو" زیر فشار شدید اعتراضات جناح راست سازمان

معضل مسکن زحمتکشان میهن را به ستوه آورده است!

ارقام موجود نشان می‌دهد که بیش از ۹۵ درصد تولید خانه‌های مسکونی در سطح کشور در انحصار بخش خصوصی است. طبیعی است که در شرایط کمبود مسکن و وجود بیش از ۲/۵ میلیون اضافه تقاضا در سطح کشور، بخش خصوصی بر اساس سودجویی غریزی خود از این وضعیت بحرانی حداکثر استفاده را کرده و خواهد کرد. به علاوه، عدم وجود امنیت اقتصادی در کشور، بخش خصوصی را به سمت سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت با حداکثر سود سوق داده است. در نتیجه، پدیده "بسیاز و بفروشی" که در اواخر دوران رژیم پهلوی سر بلند کرده بود، امروز با تمام نیرو در سطح کشور عمل می‌کند و به قول نویسنده نامه فوق الذکر، سودهای فوق‌العاده‌ای را برای یک "لایه اجتماعی ممتاز و برتر شهری" که "از هیچ و پوچ" پدید آمده، ایجاد کرده است.

در این که بخش خصوصی در این مورد نیز مانند همه موارد دیگر از غریزه سودجویی خود پیروی می‌کند و نمی‌توان از آن انتظار کمک به زحمتکشان را داشت تردیدی نیست. اما آنچه باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد این مسئله است که دولتی که با شعار "حمایت از مستضعفان" و دفاع از زحمتکشان کشور و سوار بر موج انقلاب مردم به قدرت رسیده، در این رابطه چه نقشی داشته و برای برای درهم شکستن کنترل انحصاری بخش خصوصی بر یکی از مهمترین جنبه‌های زندگی زحمتکشان کشور چه کاری انجام داده است؟

سیر مداوم صعودی داشته و ابعاد نجومی به خود گرفته است. بر اساس آمار موجود، اجاره‌نشینان کشور به طور متوسط بیش از ۵۰ درصد درآمد خود را صرف پرداخت اجاره می‌کنند، که این از ارقام مشابه در سه قاره اروپا، آمریکا و آسیا بیشتر است. وضع زحمتکشان شهری از این نیز بدتر است. طبق برآوردهای انجام شده، امروز بیش از ۸۰ درصد از درآمد تهرانی‌های فقیر صرف پرداخت اجاره می‌شود.

یکی از شهروندان در نامه خود به یک نشریه داخلی به درستی وضعیت بازار مسکن را توصیف می‌کند. او می‌نویسد: "در وضعیت کنونی، عملاً مصرف‌کننده نهایی به دلیل گرانی سرسام‌آور و عدم توانایی و قدرت خرید کافی از صحنه خارج شده است و قیمت‌ها در بازار به اقتضای قوای مالی و سلیقه گروه‌ها، تغییر می‌کنند و دارندگان درآمدهای ثابت یعنی کارمندان، کارگران و بازنشستگان، دچار آسیب‌پذیری جدی شده‌اند. نگاهی به وضعیت ساخت و ساز مسکن، اگرچه افزایش ساخت مسکن را نوید می‌دهد ولی نه تنها باعث کاهش قیمت‌ها نشده است، بلکه ... حالت رکود بازار مسکن، همراه با افزایش قیمت بوده است."

از نظر اقتصادی، این پدیده (یعنی وجود تورم شدید در عین رکود اقتصادی)، ناشی از وجود وضعیت انحصاری در بازار از یک سو، و نا امنی اقتصادی و عدم اعتماد به روندهای آینده اقتصادی از سوی دیگر، است. نگاهی به آمار و واقعیات موجود نشان می‌دهد که هر دو این عوامل در ایجاد وضعیت کنونی نقش داشته‌اند.

کمبود و گرانی مسکن از مشکلات عمده‌ای است که کارگران و زحمتکشان میهن ما در طول ۱۴ سال گذشته به طور مداوم با آن دست به گریبان بوده‌اند. امروز بیش از ۲۳ درصد خانواده‌های کشور، یعنی افزون بر ۱۲ میلیون نفر از هم‌میهنان ما، فاقد مسکن هستند. محافظه‌کارانه‌ترین تخمین‌ها، کمبود مسکن در سطح کشور را بیش از ۲/۵ میلیون واحد مسکونی ارزیابی می‌کنند. طبق آمار رسمی موجود، تا سال ۱۳۶۵، حدود ۱۸ درصد خانوارهای کشور به طور مشترک در یک واحد مسکونی زندگی می‌کرده‌اند و تراکم نفر در هر اتاق حدود ۲ نفر بوده است. این بدین معنی است که در هر اتاق موجود در سطح کشور، به طور متوسط ۲ نفر زندگی می‌کرده‌اند. به گفته رفسنجانی، سیل اخیر با نبود کردن حدود ۱۱۰ هزار واحد مسکونی، وضع را از این هم بدتر کرده است.

طبق برآورد کارشناسان، برای تامین مسکن مورد نیاز کشور، در طول ۵ سال آینده باید هر سال ۴۰۰ هزار واحد مسکونی جدید ساخته شود. این در حالی است که در فاصله سال‌های ۶۷-۱۳۵۷، به طور متوسط هر سال تنها ۱۲۰ هزار واحد مسکونی در کشور ساخته شده و در طول دوران پس از انقلاب، حجم اعتبارات دولتی برای احداث مسکن به طور پیوسته سیر نزولی داشته و از ۶۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰ به تنها ۱۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۶ رسیده است.

آنچه که در این میان حائز اهمیت است این است که به رغم وجود رکود اقتصادی در طول ده سال گذشته، بهای زمین و خانه در کشور

اخبار زحمتکشان

استان تهران با کمبود ۲۰ هزار کلاس درس روبرو است

حسین صنیمی، مدیر کل نوسازی مدارس استان تهران، در بهمن ماه گذشته اعلام کرد که استان تهران با کمبود حدود ۲۰ هزار کلاس روبرو است و پروژه‌های ساختمانی کلاس‌های درسی "به علت کمبود بودجه" ناتمام باقی مانده‌اند. صنیمی، که این سخنان را در مراسم افتتاح یک واحد آموزشی در قم ایراد کرد، گفت که "با این روند نمی‌توانیم به [اهداف خود] جامعه عمل بپوشانیم و این معضل حل نخواهد شد". آنچه در این میان شایان توجه است این است که، طبق گفته صنیمی، هزینه احداث کلاس‌های جدید در استان باید از محل اختصاص ۲ درصد از "سود سالانه شرکت‌ها، کارخانجات دولتی وابسته به نهادها و ارگان‌ها" تامین شود. مدیر کل نوسازی مدارس استان تهران از این که موسسات و نهادهای دولتی "متأسفانه تاکنون اقدام چشمگیری در احداث فضای آموزشی نکرده‌اند" شکوه کرد و گفت: "در سال گذشته همه نوع عوارض دریافت شده بجز عوارض احداث فضای آموزشی، در مورد توقعات بی‌جای آقای صنیمی از نهادهای دولتی، که هم "سود آور" باشند و هم بخشی از سود خود را به آموزش فرزندان

زحمتکشان میهن اختصاص دهند، باید گفت، جناب صنیمی، "کل اگر طیب بودی، سر خود دوا نمودی!"

خانه کارگر دیگر به بانک مرکزی اعتماد ندارد!

دبیر کل خانه کارگر در جلسه اخیر کانون شورای هماهنگی شوراهای اسلامی جاده قدیم کرج بر لزوم "حضور فعال جامعه کارگری در صحنه" تاکید کرد و عدم حضور فعال کارگران در مراجع قانونی را عامل اصلی مشکلات کارگران در جمهوری اسلامی شناخت. وی به عنوان یک نمونه از "حضور فعال کارگران در صحنه" گفت: "با توجه به درآمد و هزینه سرانه کارگران، عدم توازن قدرت خرید و وضعیت معیشتی اراکه شده از سوی بانک مرکزی، خانه کارگر برای دستیابی به اطلاعات اقتصادی، یک گروه مشاوره اقتصادی را به خدمت گرفته است." اگر بخواهیم این سخنان دبیرکل خانه کارگر را به فارسی سرکوب نشده برگردانیم، معنای آن این است که "از بانک مرکزی درباره وضعیت کارگران به اندازه کافی دروغ شنیده ایم و اکنون وقت آن رسیده که خود ما کارگران دست به کشف حقیقت بزنیم!"

بودجه "شفاف" سال ۱۳۷۲

گویاترین عوامل بازدارنده ای است که درآمد ثابت شده آن را نمی توان در بودجه سال جاری حفظ نمود.

مالیات های کلان شرکت های دولتی و بنیادهای مختلف، از حسابرسی و بازپرداخت معاف می باشند (از کل شرکت های دولتی موجود در کشور فقط ۴۲۷ واحد در بودجه گنجانده شده است که از این تعداد تنها ۱۴۲ واحد سود ده اعلام شده و مابقی یا زیان ده بوده و یا اصولاً وضعیت مشخصی از نظر سود دهی ندارند) ("رسالت" ۳ اسفند). در نتیجه مالیات هایی در نظر است که بر عهده حقوق بگیران و مصرف کنندگان اقشار متوسط و زحمتکش می باشد. درآمدهای دیگر، که صادرات غیر نفتی یکی از این اقلام می باشد در سال گذشته به رقم ۴ میلیارد دلار هم نرسید تا بودجه عمومی کشور را بر مبنای آن تنظیم نمود و آن را "شفاف" و ضد تورم بنامند.

۱۴ سال از انقلاب بهمن می گذرد و هنوز، نفت تمین کننده عمده بودجه جمهوری اسلامی است. منبعی که فقط مصرف می شود. زمانی که تولید نباشد (اعم از صنعتی و کشاورزی) و نتوان، بر مبنای این منبع پابرجا، بودجه را تنظیم نمود، سال های مالی، فقط سال های واردات برای مصرف خواهد بود که کوچکترین گشایشی در ایجاد صنایع عظیم تولیدی و رشد و شکوفایی اقتصادی نخواهد داشت و تورم و گرانی پدیده های طبیعی ای خواهند بود که سال های مالی را در انحصار خود خواهند گرفت و در چنین شرایطی، رفسنجانی خوشحال است که اعلام نماید: "امسال سرمایه گذاری های عظیمی انجام نخواهد گرفت" گو اینکه این مهم که نیاز زیر بنایی جامعه ما برای گریز از تکیه بر درآمد نفت می باشد، پایان پذیرفته و به مرحله تولید رسیده است!

بهر حال، از آنجاییکه مسئولین جمهوری اسلامی همه چیز را در حرف و وعده و وعید خلاصه می کنند و چندان اهمیتی به عملی شدن و یا نشدن وعده هایشان نشان نمی دهند، بودجه سال ۷۲ نیز از این قاعده کلی، مستثنی نیست. ارقام آن بازم واقعت پیدا نخواهد کرد و مشکلی از مسایل اقتصادی را نخواهد گشود. گرانی، تورم و کسری بودجه از دستاوردهای عادی آن خواهد بود و "شفافیت" آن که هم اکنون بر روی کاغذ نقش بسته است با مرور زمان رنگ خواهد باخت و ماهیت اصلی خود را در عمل نشان خواهد داد.

دیگر از شرکت هایی که از شمول چنین حسابرسی خارج می باشد شرکت مخابرات است که در سال گذشته به حساب جیب مردم ۳۶۶ میلیارد ریال سود داشته است و روزنامه رسالت (۲۹ بهمن) سوال می کند که براساس کدام گزارش کار این شرکت توانسته است ۵۰٪ سود کند؟

رفسنجانی زمانی بودجه تقدیمی خود را سرنوشت ساز خواند که طبق پیشنهادهای بانک جهانی دو هدف عمده را تعقیب می کرده است، حذف سوبسید و یکسان ساختن نرخ ارز. مجلس با قبولاندن پرداخت سوبسید ۵ میلیارد دلاری به دولت رفسنجانی، بودجه مربوطه را تصویب نمود. اما چیزی را که باید در نظر گرفت، فشارهای طاقت فرسای بیشتری است که با حذف سوبسید بر دوش اقشار متوسط و کم درآمد خواهد آمد و رفسنجانی با تقاضای حذف سوبسید بودجه خود را "شفاف" نام نهاده بود! در حالیکه در شرایط فعلی فقط ۸ میلیون نفر از کسانی که درآمدی کمتر از ۱۲ هزار تومان دارند تحت پوشش کمیته امداد می باشند ("کیهان هوایی" ۱۹ اسفند) و در ایران درآمد کمتر از ۲۵ هزار تومان بعنوان خط فقر در نظر گرفته شده است (همان منبع). ۴۰ میلیون نفر در ایران زیر خط فقر زندگی می کنند بودجه ادعایی دولت رفسنجانی با پیشنهاد حذف سوبسید کدام هدف را نشانه گرفته بود که به عدالت اجتماعی بیانجامد؟ و آیا دولت رفسنجانی نمی داند که دولت وی، از سال مالی ۷۰ میلی در حدود ۵ میلیارد دلار از تمهیدات خارجی خود را که در برنامه اول می بایست به سفر می رسیده است هنوز توانسته است بازپرداخت کند و به یکماهه آخر سال گذشته محول نموده است که چنین بازپرداختی غیر ممکن می باشد و در عمل، از بودجه سال ۷۲ کسر خواهد شد؟

از طرف دیگر بودجه امسال که بر مبنای ۳ منبع درآمد نفت، درآمدهای مالیاتی و منابع دیگر استوار گردیده است هیچ ضمانت اجرایی را (مانند بودجه های سال های قبل) با خود به همراه ندارد و همچنان تورم زا و توأم با کسری بودجه خواهد بود. "عسکر اولادی"، عضو هیئت رئیسه مجلس در کانون جمعیت مولفان اسلامی اظهار می دارد که "سال آینده گرانی فوق العاده نخواهیم داشت" ("رسالت" ۲۹ بهمن) اما مشخص نمی سازد بر مبنای کدام داده های اقتصادی و بر مبنای کدام برآوردی که در بودجه "شفاف" ۷۲ پیش بینی شده است؟

نوسان قیمت نفت، وارد شدن فروشنندگان جدید به بازار آزاد رقابت، پیدا شدن حوضچه های نفتی جدید و ذخیره فراوان انبارهای کشورهای مصرف کننده... از ساده ترین و

در جمهوری اسلامی هر برنامه ای، اسمی را با خود یدک می کشد تا از سوی باصلاح خارق العاده جلوه داده شود و از سوی دیگر، بر واقعیت پرده بکشد. رفسنجانی، روحانیون را مرواریدهای جامعه می داند که خمینی آنان را تسبیح وار ردیف کرده است (نماز جمعه ۱۶ بهمن)، دیروز، مجلس چهارم، یک دست بود و امروز بودجه سال ۷۲ "شفاف" مرواریدهایی که به مناسبت سالگرد ۲۲ بهمن، تنها ۱۶۶ تن از محکومین آنان در دادگاه ویژه روحانیت، توسط خامنه ای عفو گردیدند و هیچکس از جرم آنان مطلع نگردید! در مجلس "یک دست"، بعد از مخالفت ها و در نهایت معاملات دو طرفه، بودجه "شفاف" سال ۷۲ را با تحمیل برخی عقب نشینی ها به رفسنجانی، تصویب نمودند و به دولت خدمتگزار که وزیر راه آن استیضاح گردیده بود، ابلاغ نمودند!

شفافیت و باصلاح قهقی، گر بودن بودجه سال ۷۲ اینقدر مشخص است که دکتر محمد علی حتی در مجله "صنعت حمل و نقل" چاپ تهران (بهمن - اسفند ۷۱) می گوید: "درآمد ارزی دولت از ۲۶ میلیارد دلار در سال ۵۶ به ۱۸ میلیارد دلار در سال ۷۲ خواهد رسید". توجه داشته باشید که در سال ۵۶ جمعیت ایران قریب ۲۵ میلیون نفر بوده است و امروز از مرز ۵۴ میلیون نفر گذشته است و جمهوری اسلامی در سالی که گذشت تنها معادل ۲۸ میلیارد دلار کالاهای مصرفی وارد کرده است، یعنی بیش از ۱/۵ برابر درآمد ارزی بودجه "شفاف" سال ۷۲، و طبق گزارش صندوق بین المللی پول در سال گذشته، واردات جمهوری اسلامی ۴۰٪ افزایش یافته است ("رسالت" ۳ بهمن). از سوی دیگر در بودجه ۵۴، ۳۹۲ میلیارد ریالی تصویب شده، مبلغ ۲،۸۴۲ میلیارد ریال آن که برای وزارتخانه ها و سازمان های دولتی و نهادهای گوناگون در نظر گرفته شده است، از قانون محاسبات و مقررات عمومی دولت خارج می باشد ("رسالت" ۱۷ بهمن) و دولت در مقام پاسخگویی به هیچ مرجع قانونی نمی باشد و می تواند مبلغ کلانی از بودجه عمومی کشور و بیت المال مردم را بدون حسابرسی عمومی، هزینه کند! اگر برخی از هزینه هایی که در ستون بودجه عمرانی آمده و به هیچوجه ماهیت عمرانی ندارد، بلکه هزینه های جاری است (مانند تصویب بنیه دفاعی...) (همان مجله) به این بودجه "شفاف" اضافه کنیم، به اختیارات وسیع دولت خدمتگزار در حیف و میل بیت المال، بیشتر بی می بریم.

کیست که نداند بنیادهای غارتگری چون مستضعفان و شهید... که به شبکه عظیم مالی و مافیایی تبدیل گردیده اند و غارت بدون حساب و کتاب آنان حتی به مجلس رژیم نیز کشانده شده است از مشمولین دائمی اینگونه معافیت های حسابرسی می باشند؟ بنا به نوشته روزنامه "رسالت"، تا امروز فقط ۳ هزار میلیارد ریال از برادران مسلمان اختلاس کننده در بنیاد مستضعفان بازپس گرفته شده است! و یکی

حکومت اضطراری در ...

زمینه اظهار داشت، "تصمیم یلتسین مبانی قانون اساسی را معلق کرده است و به بی ثباتی بیشتر جامعه منجر خواهد شد. بدین ترتیب "یلتسین" خود را به عنوان رئیس جمهور بی اعتبار می کند." دادگاه قانون اساسی، قانون اختیارات ویژه را برای رئیس جمهور در تضاد و تناقض با قانون اساسی تشخیص داد. بدنبال این تصمیم، پارلمان روسیه برای تصمیم گیری پیرامون رئیس جمهور و آینده سیاسی او تشکیل جلسه داد. رهبران سیاسی روسیه اقدام "یلتسین" را قمار خطرناکی که می تواند به قیمت یکبارچگی و موقعیت بین المللی روسیه تمام شود، ارزیابی می کنند. "الکساندر روتسکوی"، معاون اول رئیس جمهور که از قبول فرمان های صادره از سوی رئیس جمهور خودداری کرده است، اظهار داشت: "این فرمان منجر به ایجاد یک شکاف در جامعه و دولت خواهد شد... برخوردهای مهمی در جامعه آغاز خواهد شد که با استفاده از زور و خونریزی دنبال خواهند شد... بوریس نیکلایویچ محترم، من از شما عاجزانه خواهش می کنم که در تلویزیون اظهاریه خود را تغییر دهید."

"یلتسین" که در پیاده کردن و تصویب برنامه های خود خصوصا سیاست های اقتصادی "بازار آزاد" و تخریب کلی تمامی ساختارهای دموکراتیک جامعه با

مخالفت های جدی در پارلمان روسیه روبرو شد، همانگونه که رسم تمامی دیکتاتورهاست، از ابزار و ساختارهای دموکراتیک تا آنجا استفاده می کنند که در چارچوب منافع آن ها عمل نماید، اقدام به صدور یک "قانون ویژه" کرد، که بر اساس آن رئیس جمهور می تواند فارغ البال از کنترل و نظارت قوه مقننه در همه عرصه های اقتصادی-سیاسی-اجتماعی راسا تصمیم بگیرد. اقدامات اخیر "یلتسین" را نمی توان چیزی جز جانسختی کردن حکومت فردی به جای دموکراسی پارلمانی دانست. این روند در عمل اعمال یک دیکتاتوری فردی به کمک یک "شبه کودتا" حمایت شده از سوی محافل سرمایه داری غرب و خصوصا پیمان تجاوزگر ناتو می باشد. "یلتسین" مدعی است که اکثریت نمایندگان پارلمان را کمونیست های رادیکال تشکیل می دهند که قصد احیای سیستم گذشته را دارند. طرفداران "یلتسین" و رسانه های غربی مطرح می کنند که او رئیس جمهور انتخابی روسیه است و به این دلیل اقدامات او به نیابت از جانب مردم است. این نظریه بر این واقعیت که اعضای پارلمان روسیه نیز همگی مستقیما در رای گیری های آزاد انتخاب شده اند، سرپوش می گذارد.

هدف "یلتسین" از استقرار یک دیکتاتوری فردی بیش از بین بردن تمامی ساختارهای سوسیالیستی باقیمانده در روسیه است. این هدف از مخالفت او با انجام انتخابات آزاد و همزمان برای پارلمان و پست ریاست جمهوری مشخص می شود. اگر "یلتسین"

معتقد است که او از حمایت قاطع مردم روسیه برخوردار است، قاعدتا نباید از انتخابات سریع برای پارلمان و ریاست جمهوری هراس داشته باشد. انجام فرزندوم پیشنهادی او، آنهم برای تصویب "اختیارات ویژه برای ریاست جمهور" نمی تواند یک معیار واقعی نظر خواهی مردم باشد. روند کنونی نشان می دهد که نظر مردم نه برای "یلتسین" و نه برای حامیان او در پایتخت های کشورهای اروپایی اهمیت چندانی ندارد. کارزار تبلیغاتی گسترده در کشورهای اروپای غربی و آمریکا و همچنین ژاپن، در صدد فراهم آوردن زمینه مناسب برای مداخله مستقیم در اوضاع روسیه است. "یلتسین" می داند که می تواند روی حمایت کشورهای غربی در مبارزه با سوسیالیسم و دموکراسی حساب کند. بی دلیل نیست که "بیل کلینتون" پیشنهاد برگزاری اجلاس سران ۷ کشور بزرگ سرمایه داری در روسیه را طرح می کند. او می خواهد به مردم روسیه اخطار بدهد که "یلتسین" مورد حمایت غرب است و آمریکا شکست او را به سادگی تحمل نخواهد کرد.

قدرتهای "ناتو" با حمایت از اقدام "یلتسین" برای ایجاد یک نظام دیکتاتوری، بازی خطرناکی را آغاز کرده اند. باید به سیاستمداران حاکم در واشنگتن، لندن و بن اخطار کرد که این مانورهای نیرنگ آمیز عواقب بسیار سنگین برای جهان و صلح دربر خواهد داشت. مردم روسیه باید آزاد باشند که آینده خود را خود تعیین کنند.

تکر

گنفرانسی پرورسی فقر در آمریکای لاتین

به مناسبت جشن نوروز، نامه ها و پیامهای تلفنی کثیری از اعضاء، هواداران و دوستان حزب توده ایران به آدرس "نامه مردم" و دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران رسیده است. "نامه مردم" ضمن تشکر از این رفاقا، بار دیگر نوروز باستانی را به همه آنها صمیمانه تبریک می گوید و برایشان تندرستی، شادکامی، موفقیت و برای میهن مان آزادی آرزو می کند.

"نامه مردم"

زندگی معمولی نیز محرم خواهند بود. البته در بین کشورهای آمریکای لاتین، کوبا از شرایط ویژه ای برخوردار است. با اینکه کوبا دائما در معرض تهدیدهای نظامی و تحریمهای اقتصادی آمریکا و متحدانش قرار دارد، اما با وجود اینها، از نظر اقتصادی و اجتماعی تصویری جدا از آنچه که در منطقه وجود دارد، ارائه می دهد. هیئت شرکت کننده کوبایی در این کنفرانس توانست نشان دهد که کوبا در زمینه های مختلف و از جمله اقتصادی و اجتماعی نه تنها رشد داشته، بلکه توانسته است بر "بحران اقتصادی" دهه ۹۰ فائق آید. راه حل هایی که کوبا در برخورد با این "بحران" در نظر گرفته است، امنیت اجتماعی، تقسیم عادلانه ثروت های اجتماعی و تحصیل رایگان را تضمین می کند. همچنین جیره بندی مواد غذایی و دیگر مایحتاج ضروری زندگی به صورتی خواهد بود که به مراتب بالاتر از حداقل استاندارد است که در مرز خط فقر اعلام شده است، چیزی که برای کشورهای دیگر به مانند یک رویا می ماند.

در دسامبر سال گذشته کنفرانسی در رابطه با رشد فقر در آمریکای لاتین، در سانتیاگو، پایتخت شیلی برگزار شد.

متاسفانه در این کنفرانس دیدگاه روشنی برای آینده این کشورها ارائه نشد. درصد فقر و افرادی که در زیر خطر فقر قرار دارند، علیرغم رشد یا رکود اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین، همچنان رو به افزایش است.

طی دوران رشد اقتصادی دهه هشتاد، ثروتمندان آمریکای لاتین، که ۵ درصد کل جمعیت را تشکیل می دهند، توانستند با حفظ موقعیت خود ثروت بیشتری بیاندوزند، در حالیکه ۷۵ درصد مردم شرایطی به مراتب بدتر از گذشته پیدا کرده اند.

پیش بینی های ارائه شده حاکی از آن است که اوضاع مردم تا سال ۲۰۰۰ همچنان رو به وخامت خواهد رفت و بر طبق همین پیش بینی ها قریب به ۳۰۰ میلیون نفر از جمعیت ۵۲۶ میلیونی منطقه در زیر خط فقر زندگی خواهند کرد. یعنی ۵۸ درصد مردم در آمریکای لاتین از کمترین امکانات یک

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

کمک مالی رسیده:

زویببور ۱۰۰ مارک

NAMEH MARDOM NO : 398
 Central Organ of the Tudeh Party of Iran March 30 , 1993

Address : Postfach 100644 , 1000 Berlin 10, Germany

نامه مردم